

تاریخ وصول: ۸۶/۴/۳

تاریخ تأیید: ۸۶/۱۱/۲۸

مطالعه جامعه‌شناختی پدیده مهاجرت نخبگان در ایران از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۵ (مورد مطالعه: سقز در استان کردستان)

مهوش جانمردی*

اطلاع‌رسانی، شرایط اقامت در کشورهای مهاجرپذیر را فراهم کرده‌اند. آمار توصیفی و استنباطی در توصیف جامعه آماری و سنجش متغیرها مدد راه در تجزیه و تحلیل داده‌ها بوده‌است. بر اساس تحلیل داده‌ها، متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن، جنس، وضعیت تأهل، فشارهای اجتماعی، ساختار علمی، مشارکت سیاسی، تمایزات قومی، شبکه‌های ارتباطی، امنیت اجتماعی، فاصله طبقاتی، امکانات رفاهی، ساخت سیاسی، قانونمندی جامعه، امکانات پژوهشی و ضوابط پذیرش مهاجران، با مهاجرت نخبگان رابطه معناداری دارد و متغیرهای دیگر، یعنی شغل، رشته تحصیلی و مشارکت اجتماعی با مهاجرت نخبگان رابطه معناداری ندارد.

کلیدواژه: مهاجرت، نخبگان، امکانات پژوهشی، مشارکت سیاسی،

* مدرس و مسئول واحد تحقیقات دانشگاه پیام‌نور مرکز سقز.
نشانی اینترنتی: janmardi@yahoo.com

چکیده: انسان‌ها در کلیه ادوار تاریخی، برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر، همواره در حرکت بوده‌اند و کلیه گروه‌های انسانی، به دلایل و شیوه‌های مختلف اقدام به مهاجرت کرده‌اند.

نظر به اهمیت جایگاه نیروهای متخصص و کارآمد در فرایند توسعه و پیشرفت جامعه، مهاجرت این گروه از افراد آثار زیان‌باری را بر ساختار جامعه وارد خواهد کرد.

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریات کلاسیک، مکتب تضاد، نظریات سیستمی، مدل رفتاری، محرومیت نسبی، سرمایه انسانی و نظریه دوگانگی ساختاری، تجزیه و تحلیل مهاجرت نخبگان در سه سطح خرد، میانه و کلان مورد بررسی قرار گرفته‌است. از روش پیمایشی برای بررسی جامعه نمونه استفاده شده‌است. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده پنجاه نفر از دارندگان مدارک کارشناسی‌ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف دانشگاهی است که با استفاده از سامانه‌های ارتباطی و

مشارکت اجتماعی، فاصله طبقاتی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی.

مقدمه

مهاجرت، حرکت بالنسبه دائمی افرادی است به نام مهاجر از یک مکان به مکان دیگر، که بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های باارزش صورت می‌گیرد و نتیجه این حرکت، تغییراتی در نظام کنش متقابل آنان است.

نیروهای متخصص، کارآمد و متعهد از سرمایه‌های انسانی هر جامعه محسوب می‌شوند و مهاجرت این گروه از افراد آثار زیانباری را بر ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه وارد خواهد کرد. مهاجرت نخبگان بیشتر از نوع نرم‌افزاری یعنی فکری، فرهنگی، اجتماعی و ساختی است و نخبگان به جهت برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر برجستگی، تخصص و توانایی، از طرف کشورهای مهاجرپذیر به سرعت جذب می‌شوند (جانمردی، ۱۳۸۰).

در دهه‌های اخیر میل به مهاجرت در بین نخبگان روند روبه‌رشدی یافته‌است؛ زیرا علاوه بر شرایط جامعه مبدأ، ساختار توانمند برخی از جوامع در جذب افراد برجسته نقش بسزایی داشته‌است. بنابراین نمی‌توان آن را امری تصادفی تلقی کرد، بلکه نیازمند شناخت زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

طرح مسئله

مهاجرت نخبگان پدیده‌ای اجتماعی - جمعیتی است که آثار زیان‌بار آن در دراز مدت بر حیات اجتماعی جامعه ایران سنگینی خواهد کرد و در شرایط کنونی که جامعه ایران نیازمند شناخت علمی جنبه‌های مختلف اجتماعی و حل مشکلات و حرکت در جهت پیشرفت است این امر حساسیت بیشتری

یافته‌است. پیوستگی عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شرایطی را موجب شده‌است که استفاده از تمامی نیروهای انسانی ماهر و متخصص به گونه‌ای نامعقول و غیرمنطقی صورت گرفته و علاوه بر آن مناسبات بین‌المللی نیز به صورتی شکل گرفته که استفاده از نخبگان را در کشور تا حدودی با مانع روبه‌رو کرده و موجبات جذب آنان را در کشورهای مهاجرپذیر فراهم کرده‌است. تحقیق موردنظر در چارچوب تبیین جامعه‌شناختی به بحث درباب مسائل نخبگان پرداخته و بر این اساس به استدلال و توجیه ضرورت آن دست یافته‌است.

ضرورت پژوهش

پژوهش حاوی سه وظیفه زیر است:

۱. کاربردی شناختی (شناخت مشکلات نخبگان به‌عنوان منابع غنی و ذخایر ارزشمند جامعه)؛
۲. هدف فلسفی (تغییر نگرش نسبت به افراد نخبه و اهمیت دادن به آنان و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه نخبگان در جهت توسعه ملی)؛
۳. کاربردی (برنامه‌ریزی در جهت استفاده از تخصص و مهارت نخبگان در جامعه).

مهاجرت رو به رشد نخبگان ایرانی توجیه‌گر خوبی برای ضرورت و مطالعه این پدیده است. شناخت عوامل خارجی و نارسایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی داخل کشور می‌تواند گامی مؤثر در برخورد با پدیده مهاجرت نخبگان باشد. مهاجرت نخبگان کشورهای در حال توسعه نیازمند بازاندیشی واقع‌بینانه و مسئولانه است، لذا آگاهی از علل و چگونگی مهاجرت از کشور، شیوه زندگی آنان در کشور مقصد و میزان گرایش آنان به بازگشت جای بسی تأمل دارد و ضرورت هرگونه پژوهش علمی در این حوزه را می‌طلبد.

اهداف پژوهش

- پژوهش حاضر در پی دستیابی به اهداف زیر است:
- نقد و بررسی تئوری‌های مرتبط با مهاجرت نخبگان؛
 - بررسی تیپولوژی مهاجران نخبه؛
 - سابقه مهاجرت در ایران، چگونگی و علل مهاجرت نخبگان؛
 - بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخبگان مهاجر؛
 - ارائه پیشنهادی لازم جهت حل معضل مهاجرت نخبگان.

سابقه مهاجرت نخبگان در جهان و ایران

«واژه مغزها، همه دانشمندان، مخترعان، مبتکران، کارگران ماهر و خلاق، مهندسان، پزشکان، جراحان، متخصصان و افرادی را دربرمی‌گیرد که دانش بالا دارند» (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

«اصطلاح (Brain drain) یا «فرار مغزها» اولین بار توسط انگلیسی‌ها رواج یافت. زیرا انگلیس مدعی بود که نخبه‌مغزهایش راه آمریکا را در پیش می‌گیرند و در بازار کار و محیط علمی آمریکا جذب می‌شوند» (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

اصطلاح فرار مغزها متعلق به دوره پس از جنگ جهانی دوم است؛ آنجا که نوع تازه‌ای از شکاف میان کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده پدیدار شد و دور تازه‌ای از بهره‌برداری از امکانات و منابع عقب‌مانده‌ها مطرح شد. در فاصله میان دو جنگ جهانی اول و دوم و تا حدی پیش از آن کشورهای صنعتی و پیشرفته به دلیل نبود امکانات آموزشی در میان ملت‌های استعمارزده نتوانستند به‌طور وسیعی از نیروهای انسانی و متخصص در این کشورها سود ببرند» (رئیس‌دانا، ۱۳۷۰: ۳۹).

بروز تنگناهایی بر سر راه توسعه کشورهای در حال توسعه پس از جنگ زمینه لازم را برای جابه‌جایی

تخصص‌ها فراهم کرد.

کشور ایران در طول تاریخ شاهد جریان مهاجرین به دلایل مختلف بوده‌است.

قبل از جنبش مشروطه جابه‌جایی‌هایی در دوران ناصرالدین شاه و بعد از آن انجام شد که بعد از انقلاب مشروطه و در تداوم ناامنی‌های داخلی، تعدادی از ایرانی‌ها به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. به‌هرحال، جابه‌جایی دوره مشروطه و بعد از آن بیشتر به سبب فقدان امنیت و سخت شدن معیشت بوده‌است (هدایت، ۱۳۷۳: ۲۷۴).

مهاجرت اقلیت‌های دینی نظیر ارمنه و یهودی‌ها به کشورهای مختلف نظیر آمریکا و جویندگان کار به کشورهای حوزه خلیج فارس نمونه‌هایی از مهاجرت‌های رایج در جامعه است. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در زمان‌های مختلف مهاجرت‌ها را از نظر حجمی با شدت و ضعف‌هایی روبه‌رو ساخت؛ به گونه‌ای که در سال‌های گذشته عوامل اقتصادی، نظامی و امنیتی در مهاجرت‌ها نقش بسزایی داشته‌اند.

اعزام نیروی کار به کشور ژاپن به دلیل نیاز به نیروی انسانی نوعی دیگر از مهاجرت ایرانیان بود، اما این نوع مهاجرت به دلیل بی‌توجهی به حقوق انسانی و عدم بهره‌مندی افراد از مزایای اشتغال و رفاه کارکنان و عدم برنامه‌ریزی مناسب در این خصوص، موقت و منجر به مهاجرت بازگشتی گردید.

اوایل دهه پنجاه میلادی را باید آغاز دوره انتقال متخصصان به خارج از کشور به حساب آورد. به‌طور مشخص پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحکیم روابط ایران و آمریکا، شروع دور تازه عملکردهای امپریالیستی در ایران و سیاست‌ها، برنامه‌ها و جریان رشد اقتصادی آغازگر اعزام جدی محصلان به کشورهای خارجی، بالاخص آمریکا بود و رشد اقتصادی یکی از سمت‌گیری‌های خود را متوجه

ایالات متحده از ۴۵ هزار و ۳۴۰ نفر و در سال ۵۸-۵۹ به ۵۱ هزار و ۳۱۰ نفر افزایش یافت. در واقع ایران در مقایسه با دیگر کشورها بیشترین شمار دانشجویان را در ایالات متحده داشت (Torbat, 2002: 276 - 277).

جنگ، ضربه دیگری بر چرخه مهاجرت نخبگان زد و بر شتاب آن افزود، تا جایی که انگیزه خروج و عدم بازگشت در بین متخصصان را دامن زد. پس از پایان جنگ نیز به دلیل واکنش سرد و بی‌اعتنایی نظام بوروکراتیک رو به رشد، خیال بازگشت را از سر بسیاری از نخبگان باز کرد.

آمارهای ارائه شده از سوی اداره مهاجرت آمریکا نشان می‌دهد که در سال‌های ۹۸ - ۱۹۷۱ (۷۷ - ۵۰) به ۲۵۸۱۸۳ نفر ایرانی اجازه ورود به آمریکا داده شده است که حدود ۹۰ درصد آنان پس از انقلاب پذیرفته شده‌اند (Torbat, 2002: 277).

بر پایه «سرشماری ۱۹۸۰ ایالات متحده حدود ۲۳ درصد از ایرانیان مهاجر دارای تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی‌ارشد و یا دکتری بوده‌اند که در مقایسه با رقم ۱۲/۵ درصد در میان دیگر مهاجران خارجی ۷/۵ درصد کل جمعیت آمریکا بسیار چشمگیر است» (منشی طوسی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

«براساس سرشماری سال ۱۹۹۰ متجاوز از ۷۷ درصد از ایرانی‌تباران ساکن ایالات متحده آمریکا تحصیلات دانشگاهی دارند. بر این پایه می‌توان گفت که نزدیک به ۱۷۰/۰۰۰ نفر ایرانی دارای تحصیلات دانشگاهی در آمریکا مقیم هستند» (پورسلطان، ۱۳۷۴: ۱۶) و «ایران در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ در میان کشورها بیشترین پناهنده را در ایالات متحده آمریکا داشته و رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است» (Torbat, 2002: 276).

همچنین، آمارهای منتشر شده از سوی «صندوق بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که ایران از لحاظ فرار مغزها در میان ۶۱ کشور در حال توسعه، رتبه اول را دارد» (Payk, 2001: 72). در سال‌های اخیر شرایط نامناسب ناشی از تحولات

تربیت متخصصان کرد. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که مسئله فرار مغزها در جهان به صورت یک پدیده آشکار رخ نمود، جریان مهاجرت ایرانیان تحصیل کرده و متخصص نمایان‌تر شد.

برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که در کشور ما عوامل گریزاننده مغزها همواره نیرومندتر از عوامل جذب‌کننده بوده است (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

«افزایش مسائل سیاسی و ناآرامی‌های دانشجویی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ و نیز ناتوانی دانشگاه‌ها در پذیرش روزافزون دانش‌آموختگان دبیرستان‌ها» (منشی طوسی و مدرس، ۱۳۸۰: ۱۲۴) موجب حرکت و هجرت ایرانیان به غرب گردید، به گونه‌ای که «در ده ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ حدود ۷۰۰ هزار نفر و در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۲/۵ میلیون نفر از ایران خارج شده‌اند (هدایت، ۱۳۷۳: ۲۷۷)؛ بنابراین، تعداد مهاجران از ۴۵ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۸۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است» (همان‌جا: ۲۷۶).

در دهه هشتاد شکست نهضت ملی ایران و فعالیت‌های آزادی‌خواهانه ضد استبدادی در دوره اصلاحات ارضی شرایط سیاسی لازم را برای عدم بازگشت سیاسی بخشی از کارشناسان و تحصیل‌کرده‌ها فراهم کرد و بخشی نیز تا آغاز دهه ۱۹۷۰ به علت احساس ناامنی کشور را ترک کردند. هرچند وقوع انقلاب منجر به خروج تعداد زیادی از مهاجران گردید، به موازات هجرت آنان تعدادی از نخبگان به کشور بازگشتند.

در سال تحصیلی ۵۶-۵۷ نزدیک به صد هزار دانشجوی ایرانی در خارج مشغول تحصیل بودند که از این تعداد ۳۶ هزار و ۲۲۰ نفرشان را مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده پذیرفته بودند و بقیه در دانشگاه‌های انگلستان، آلمان غربی، فرانسه، استرالیا و ایتالیا تحصیل کردند (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۷۶).

در سال تحصیلی ۵۷-۵۸ یعنی هم‌زمان با انقلاب اسلامی، شمار دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاه‌های

مشاغل اجرایی برحسب رشته‌های تحصیلی بدین ترتیب بوده‌است:

در گروه اعضای هیئت علمی ۱۹۵ نفر ریاضی، ۲۱۶ نفر علوم پایه پزشکی، ۶۷ نفر کامپیوتر، ۶۳۵ نفر علوم اجتماعی و ۵۵۰۰ نفر پزشک مشغول به کار بوده‌اند و در مشاغل اجرایی ۶۵۰ نفر متخصص علوم پایه پزشکی، ۴۳۰ نفر متخصص ایران‌شناسی و ۴۵ نفر نقاش اشتغال به کار داشته‌اند (محمدی اصل، ۱۳۸۰: ۴۹).

وزیر سابق علوم در مصاحبه‌ای اعلام کرد که در سال ۷۹ نزدیک به ۲۲۰ هزار نخبه علمی، مدیریتی و صاحب سرمایه به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند که این رقم برای سال پیش از آن نزدیک به ۹۰ هزار نفر بوده‌است. همچنین همه پذیرفته‌شدگان با رتبه دو رقمی در کنکور سراسری دانشگاه‌های کشور هر سال از بهترین دانشگاه‌های جهان دعوت‌نامه دریافت می‌کنند و نزدیک به ۹۰ نفر از ۱۳۵ نفر دانش‌آموزانی که در سال‌های ۷۷-۸۰ در المپیادهای علمی صاحب مقام شده‌اند هم‌اکنون در دانشگاه‌های آمریکا مشغول به تحصیل می‌باشند.

آمارهای موجود نشانگر مهاجرت روبه‌رشد ایرانیان تحصیل کرده به خارج از کشور در دهه‌های ۱۹۷۲-۱۹۹۳ است؛ به گونه‌ای که در این دوره به‌طور میانگین هر سال نزدیک به ۱۲ هزار نفر نیروی کارشناس از ایران مهاجرت کرده‌اند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

۹۲/۵ درصد از برندگان و نخبگان المپیادهای ایرانی به خارج مهاجرت کرده‌اند و در حال حاضر ۱۸۲ هزار تن از متخصصان و مدیران میانی کشور تنها برای مهاجرت به کانادا در سفارت کانادا در تهران ثبت‌نام نموده‌اند. هم‌اکنون ۴ میلیون ایرانی متخصص در خارج از کشور به سر می‌برند و به این ترتیب سالانه ۲ میلیارد دلار سرمایه از کشور بیرون می‌رود (رشیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). در دهه‌های اخیر هرچند سیاست کلی دولت مبتنی بر

سیاسی کشور مجدداً زمینه مساعدی را برای جذب نخبگان از طرف کشورهای مختلف فراهم کرد، به گونه‌ای که جوامع توسعه‌یافته با توجه به اهمیت نیروهای متخصص در ساختار جامعه، عملاً به تسهیل و تسریع فرار نخبگان کمک کردند.

تلاش‌های دولت نیز در دهه هفتاد برای بازگرداندن استادان و متخصصان با شکست مواجه شد. به نظر برخی از پژوهشگران ساکن ایران، شمار متخصصان ایرانی شاغل در مراکز علمی - پژوهشی کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده و کانادا، در برخی از رشته‌ها دو برابر متخصصان داخلی کشور است. مثلاً در رشته فیزیک حدود ۴۰۰ فیزیک‌دان در خارج از کشور به سر می‌برند که این رقم دو برابر فیزیک‌دانان داخل ایران است. تعدادی از این ۴۰۰ نفر، جزو فیزیک‌دانان برجسته و تراز اول جهان هستند. برخی از این متخصصان چندی در مراکز علمی ایران کار کرده‌اند اما به دلیل عدم توانایی مؤسسات ما در حفظ آنان مهاجرت کرده‌اند (منصوری، ۱۳۷۱: ۴۲).

بر پایه آمارهای سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ حدود ۲۴۰ هزار نفر ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کرده‌اند که از این شمار، ۱۸۶۲ نفر عضو تمام‌وقت هیئت علمی و حدود ۳۲۰۰ نفر عضو پاره‌وقت هیئت علمی بوده‌اند.

جالب اینکه شمار اعضای تمام‌وقت هیئت علمی در کل مراکز آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ نزدیک به ۱۹۰۰ نفر بوده‌است، و بر اساس گزارش بانک اطلاعات علمی، تا سال ۱۹۹۷، مشخصات ۳۷۳۶۲ نفر ایرانی با تحصیلات لیسانس و بالاتر در این مراکز ثبت شده‌است که از این تعداد تحصیلات ۲۹ درصد در سطح دکتری، ۳۳ درصد فوق لیسانس و ۴۸ درصد لیسانس بوده‌است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

در سال ۱۳۷۲ ترکیب و توزیع شغلی ایرانیان ساکن آمریکا در دو گروه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و

دیگر حاکی از آن است که مسئله مهاجرت نخبگان در جوامع پیشرفته از اهمیت خاصی برخوردار است و از این لحاظ می‌توان اذعان داشت که سابقه پژوهش‌های مربوط به مهاجرت نخبگان طولانی‌تر از ایران است و تحقیقاتی که در ایران در زمینه مهاجرت نخبگان انجام شده بسیار محدود است.

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده چهار عامل در مهاجرت نخبگان موثر است:

۱. علمی (امکان ادامه تحصیل و پژوهش، جو علمی، فضای دانشگاه‌ها)؛
۲. اقتصادی (چگونگی معیشت، میزان درآمد، تسهیلات و رفاه)؛
۳. فرهنگی (مناسبات فرهنگی و اجتماعی، پیوند با خانواده، استواری یا سستی آن، ایدئولوژی، مذهب، رفتارهای عاطفی)؛
۴. سیاسی - مدیریتی (قوانین، سیاست‌ها و چگونگی مدیریت خرد و کلان) (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

هجرت نخبگان در ایران را باید به‌عنوان بزرگ‌ترین معضل کشور تلقی کرد؛ زیرا محروم شدن مملکت از شمار عظیم نخبگان، به رشد و توسعه کشور آسیب می‌رساند.

چارچوب نظری

در پژوهش برای احتراز از تک‌بعدی بودن با استفاده از دیدگاه‌های کلاسیک، مکتب تضاد، نظریات سیستمی، مدل‌های جاذبه - دافعه، ماتریس انتقالی، هزینه - منفعت، رفتاری سیستم جهانی مهاجرت و قالب‌های تئوریک عوامل دافع - جاذب^۱، سرمایه انسانی^۲، انتقال معکوس فناوری^۳، دوگانگی ساختاری^۴ مفاهیم

1. pull – push factors
2. Human capital
3. Revers transfer technology
4. duality of structure

مقررات منع جابه‌جایی و خروج بوده‌است، علی‌رغم وجود ضوابط منع‌کننده و مشکلات خروج از کشور عده‌ای از نخبگان به‌طور مجاز و گاهی غیرمجاز کشور را ترک کرده‌اند. ناهماهنگی افزایش قیمت با سطح درآمد مردم، تورم سریع، افزایش قیمت خدمات، عدم کارایی و سوءبرداشت‌ها و سوءاستفاده‌ها از امکانات عمومی و ابزارهای اداری و مقام و منصب، عدم استفاده مطلوب از دستگاه‌ها و نهادهای عمومی و زیر پا گذاشتن میثاق‌های ملی و بین‌المللی نیز می‌توانند به‌صورت عوامل بحران‌زا و مشکل‌آفرین در جامعه امروز تجلی پیدا کنند.

مجموعه این عوامل است که به عدم دل‌بستگی به کار و فرار از مسئولیت و فرار مغزها منجر می‌شود و اثرات سوء مشکلات اجتماعی را مضاعف می‌سازد و می‌تواند به بحران‌های اجتماعی منجر گردد و برای کل نظام سیاسی و ارزش‌های فرهنگی حالت تهدیدکننده‌ای پیدا کند (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۲).

مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات انجام شده در خصوص جامعه‌شناسی مهاجرت نشان می‌دهد که دریافت‌ها درباره ماهیت مهاجرت نادرست است و در پژوهش‌های جامعه‌شناختی نارسایی‌های جدی، خطاها و غفلت‌هایی وجود دارد. پژوهشگران مهاجرت را واقعه‌ای فردی در نظر می‌گیرند و آن را حرکت مردم از یک مکان به مکانی دیگر که متضمن تغییری کمابیش دائمی در اقامتگاه است توصیف می‌کنند. اغلب اوقات جنبه‌های دیگری نیز مشخص می‌شود، اما نه به‌طور یکنواخت، و ابعاد دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرند که معمولاً به خصوصیات بی‌همتای موردی که مطالعه می‌شود، بستگی دارد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۲).

مروری بر تحقیقات انجام‌شده در ایران و جوامع

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

از مصاحبه و پرسش‌نامه در جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده‌است. پس از مرور منابع، فرضیه‌های تحقیق طراحی و سؤال‌های پرسش‌نامه بر اساس فرضیه‌ها تدوین گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور بالا بردن روایی و پایایی و حذف گزینه‌های نامتناسب، آزمون مقدماتی به مرحله اجرا درآمد. برای اعتبار درونی گویه‌ها از روش ضریب هم‌بستگی اعتبار درونی گویه‌ها و برای سنجش دقت شاخص در راه اندازه‌گیری داده‌ها از آماره‌ای به نام آلفا استفاده گردید. بعد از گردآوری داده‌ها از جداول یک‌بُعدی برای توصیف پدیده و از جداول دو‌بُعدی برای آزمون وجود رابطه یا عدم رابطه بین متغیرها استفاده شد و از آزمون‌های X^2 و dyx برای ارتباط بین متغیرها در سطح فاصله‌ای و ترتیبی استفاده گردید.

جامعه نمونه

پنجاه نفر از فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری شهرستان سقز در رشته‌های مختلف که مهاجرت کرده‌اند.*

نتیجه‌گیری

با نگاهی به یافته‌های پژوهش گردآمده به‌وسیله فنون آماری مناسب و مرور منابع مشخص گردید که:
۱. مهاجرت نخبگان در کلیه جوامع رایج بوده‌است، اما با توجه به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

محرومیت نسبی و توقع، چارچوب نظری تحقیق در سه سطح خرد^۵ (خصایص و ویژگی‌های شخصیتی شکل‌گرفته در محیط اجتماعی که مستعد تسهیل یا بازدارندگی مهاجرت نخبگان است)، میانه^۶ (نهادهای روابط مکان‌های اجتماعی دخیل در وضعیت نخبگان، عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان با توجه به مناطق جغرافیایی، نوع روابط اجتماعی، سازمان‌ها، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی)، سطح کلان^۷ (ساختار جامعه، توسعه‌نیافتگی، صنعتی شدن، شرایط سیاسی-اقتصادی، بحران‌های اقتصادی) طراحی شده‌است.

نظر به اینکه مهاجرت رفتاری تصادفی نیست و تصمیم‌گیری‌ها بر پایه سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها انجام می‌گیرد، بررسی مهاجرت نخبگان در سه سطح به بهترین وجهی می‌تواند در شناخت، تبیین و تفسیر پدیده مؤثر واقع شود و هر تئوری‌ای می‌تواند سطحی از سطوح بروز تشدید مهاجرت نخبگان را توصیف و تبیین نماید.

فرضیه‌های تحقیق

مهاجرت نخبگان به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌است که تحت تأثیر متغیرهای مستقل، یعنی پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن، جنس، شغل، رشته تحصیلی، فشارهای اجتماعی، ساخت سیاسی، امکانات رفاهی، امکانات پژوهشی، ساختار علمی کشور، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی، تمایزات قومی، فاصله طبقاتی، امنیت، ضوابط پذیرش مهاجران، قانونمندی جامعه و شبکه‌های ارتباطی ممکن است تشدید یا تضعیف گردد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر روش پیمایشی در تحقیقات اجتماعی استفاده شده‌است.

5. Microscopic

6. mine scopic

7. Macroscopic.

* مصاحبه با افراد قبل از مهاجرت انجام گرفته‌است.

متخصص فراری از خدمت نظام وظیفه تشکیل می‌داد. **مرحله چهارم:** پایان جنگ تحمیلی، شرایط اقتصادی نامناسب، تحولات سیاسی و وجود شبکه‌های ارتباطی قوی در سطح بین‌المللی، موجبات مهاجرت بخش اعظمی از نخبگان جوان را فراهم کرد.

۳. بر اساس مرور منابع، فشارهای اجتماعی، عدم ارضای خواسته‌های منطقی، تحرک شدید طبقاتی چه به طرف بالا و پایین، سرخوردگی اجتماعی، فشارهای قومی، جابه‌جایی قدرت و برهم‌خوردگی نظام اجتماعی، تحولات جمعیتی و مورفولوژیک، استفاده از روابط به‌جای ضوابط، سوءاستفاده از پُست‌های دولتی و مناصب عمومی، احساس محرومیت سیاسی، عدم تعادل و نابرابری در اجرای قوانین، عدم مشارکت نخبگان در اداره زندگی محلی، منطقه‌ای و ملی، کم‌رنگ شدن مشروعیت نظام سیاسی از نظر برخی از نخبگان، پیشرفت شتابناک و حیرت‌انگیز دانش و فن، گسترش وسایل ارتباطی، نفوذ پنهان و آشکار سیاست‌های بیگانگان، عدم حمایت از نیروهای متخصص، عدم احساس امنیت شغلی، کم‌رنگ شدن اهمیت معنوی و قداست دانشگاه، وجود تبعیض بین فرهیختگان بالاخص در دادن رتبه‌های تحصیلی و جذب در مراکز علمی، ناهمخوانی تخصص برخی از نخبگان با نیازهای جامعه، مشارکت ندادن اصحاب اندیشه در تصمیم‌گیری‌های کلان، رشد قارچ‌گونه مراکز دانشگاهی، بی‌توجهی به کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها، شیوع مدرک‌گرایی در کشور، کمبود امکانات تحقیق و تفحص در جامعه، بیگانگی نخبگان از نظام سیاسی و اجتماعی، عدم برنامه‌ریزی مداوم در خصوص نخبگان، ناهماهنگی بین سازمان‌های متولی امور نخبگان، احساس انفعال در نخبگان، تهاجم گریزناپذیر فرهنگ غرب، توزیع ناعادلانه امکانات علمی در مناطق مختلف کشور و عدم هماهنگی بین دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در پذیرش دانشجو

فرهنگی حاکم بر جوامع و ساختار ناهماهنگ و ناموزن توسعه جهانی، حجم و نحوه مهاجرت‌ها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت بوده‌است. پایین بودن نرخ رشد باروری، کاهش نسبی جمعیت جوان بر اثر بالا رفتن امید به زندگی، عدم تمایل جوانان بومی به تحصیلات دانشگاهی، هزینه سنگین آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی، نیاز به رشته‌های تحصیلی و تخصص نخبگان و اهمیت دادن به تلاش‌های علمی و پژوهشی از مهم‌ترین پارامترهای دخیل در جذب نخبگان از سوی کشورهای پیشرفته است و نیروهای متخصص کشورهای مهاجرفرست با حضور در کشور مقصد، محصولات فکری و تخصصی خود را در خدمت کشور مقصد قرار می‌دهند.

مهاجرت نخبگان از سرزمین‌های مختلف به کشورهای مهاجرپذیر همچون پُلی مستحکم با پیوند روشن‌فکران ملیت‌های گوناگون نه تنها به غنای حیات فکری کشورهای مهاجرپذیر می‌افزاید بلکه موجبات دستیابی به کامیابی‌های نخبگان را نیز فراهم می‌کند.

۲. با مرور منابع مشخص گردید که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقطه عطف و آغازگر مهاجرت نخبگان ایرانی بود و در ترسیم سیمای مهاجرت نخبگان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون می‌توان چهار مرحله را عنوان کرد.

مرحله نخست: در آستانه انقلاب و در این مرحله بیشتر متخصصان شاغل و باتجربه شاغل در نهادهای دولتی در گروه سنی بالا اقدام به مهاجرت آگاهانه نمودند.

مرحله دوم: یعنی بهمن‌ماه ۱۳۵۷ گروه‌های متعدد به دلیل ناامنی و ترس، وحشت و تعطیلی دانشگاه‌ها، بدون برنامه‌ریزی قبلی مهاجرت کردند.

مرحله سوم: آغاز جنگ تحمیلی نقطه عطف دیگری در مهاجرت نخبگان بود و اغلب مهاجران را جوانان

نشانگر تمایل کلیه رشته‌ها به مهاجرت است. ۴۵/۱ درصد افراد جامعه نمونه فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم انسانی، ۴۲/۴ درصد علوم پایه و ۱۲/۵ درصد افراد از رشته‌های علوم پزشکی بودند.

- ساختار جامعه ایران در طی تاریخ سازوکارهایی را بر زندگی افراد مسلط ساخته‌است و مهاجرت نخبگان ریشه در برخی از سازوکارهای کهن سال دارد.

خصایص ساختاری به اشکال گوناگون و در برخی موارد به صورت فشار در زندگی افراد و گروه‌ها تأثیر گذاشته‌است. اکثر افراد جامعه نمونه، یعنی ۷۵/۱ درصد، فشارهای اجتماعی را زیاد، ۲۰/۴ درصد متوسط و ۴/۵ درصد نیز آن را کم می‌دانند.

- با توجه به کثرت دارندگان مدارک کارشناسی ارشد، ۸۷/۵ درصد جامعه نمونه را دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و ۱۲/۵ درصد نیز دارندگان مدرک دکتری تشکیل داده‌اند و دارندگان مدارک کارشناسی ارشد بیشتر در معرض مهاجرت قرار دارند.

- فراز و نشیب‌های حاکم بر ساختار سیاسی جامعه موجب فشار و استرس‌های متعدد بر شخصیت افراد شده‌است. جامعه ایران به سان اکثر ملل مشرق‌زمین، در طول قرون و اعصار متمادی آکنده از فشارهای درونی و بیرونی بوده‌است و نسل‌های پیاپی در این سرزمین عوامل محدودکننده، محروم‌کننده و سرکوب‌کننده بسیاری را تجربه کرده‌اند (پیران، ۱۳۶۸: ۷۶).

بر اساس داده‌های آماری، ۵۸/۴ درصد افراد جامعه نمونه، فشار ساخت سیاسی را قوی، ۲۵/۲ درصد فشار ساخت سیاسی را متوسط و ۱۶/۴ درصد این فشار را ضعیف می‌دانند.

با توجه به اینکه افراد جامعه نمونه از درآمد و شغل ناکافی برخوردارند، در دستیابی به تأمین خدمات و تسهیلات زندگی نیز با موانعی روبه‌رو هستند؛ به گونه‌ای که ۶۲/۶ درصد افراد جامعه نمونه از امکانات

را می‌توان از عوامل عمده مهاجرت نخبگان ایرانی ذکر کرد.

۴. بر اساس داده‌های آماری به‌دست‌آمده از جداول یک‌بُعدی جامعه نمونه مشخص شد که:

- سن به‌عنوان وجه اختلاف مهم در امر مهاجرت شناخته شد و اغلب مهاجران را گروه‌های سنی جوان تشکیل می‌دهند. با توجه به جوان بودن جامعه ایران اکثر افراد جامعه نمونه، یعنی ۶۴ درصد در گروه سنی ۲۹-۳۴ سال، ۲۵ درصد در گروه سنی ۲۳-۲۸ و ۳ درصد در گروه سنی ۳۵-۴۰ سال هستند و گروه سنی ۲۹-۳۴ سال بیشتر در معرض مهاجرت قرار دارند.

- با توجه به سنت‌های حاکم بر جامعه و آزاد بودن مردان در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها، ۸۲ درصد افراد جامعه نمونه را مردان و ۱۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

- درصد زیاد اشخاص مجرد در بین افراد جامعه نمونه، یعنی ۷۲/۳ درصد، نشانگر مساعد بودن شرایط مهاجرت برای این گروه است؛ زیرا عدم وابستگی به خانواده و پیوندهای زناشویی زمینه را برای تصمیم‌گیری به هجرت بیشتر فراهم می‌کند.

- نظر به اهمیت حوزه اقتصادی، بالاخص شغل، در تأمین معاش نخبگان ۵۹/۱ درصد افراد جامعه نمونه فاقد شغل، ۳۲/۸ درصد عدم ثبات شغلی و درصد کمی، یعنی ۸/۱ درصد افراد، دارای شغل ثابت بوده‌اند.

- درآمد ناکافی، شغل نامناسب و عدم دسترسی به امکانات، موجب شده‌است تا بیش از نیمی از افراد جامعه نمونه، یعنی ۶۲/۶ درصد، از پایگاه اقتصادی - اجتماعی ضعیف، ۱۷/۴ درصد از پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط و درصد بسیار کمی، یعنی ۲۰ درصد، از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی برخوردار شوند.

- توزیع رشته‌های تحصیلی در بین افراد جامعه نمونه

منطقه‌ای و کلان روبه‌رو هستند، بیشتر افراد جامعه نمونه، یعنی ۸۵/۴ درصد، تمایزات قومی را زیاد، ۱۰/۶ درصد متوسط و درصد کمی، یعنی ۴ درصد، این تمایز را کم می‌دانند.

- موانع موجود بر سر راه پذیرش افراد برای ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر، مشخص نبودن سهمیه خاص مناطق محروم کشور در پذیرش‌ها، عدم رعایت قوانین توسط عده‌ای از افراد در ادامه تحصیل‌ها، اعزام‌ها و پذیرش در مراکز علمی، استفاده از موقعیت، طبقه و پایگاه اجتماعی افراد، موجب خدشه‌دار شدن حقوق انسان‌ها و در نهایت بروز طیف گسترده‌ای از نارضایتی‌ها در جامعه شده‌است؛ به گونه‌ای که ۶۸/۱ درصد افراد جامعه نمونه رعایت قوانین را در جامعه کم، ۲۶/۱ درصد متوسط و ۵/۸ درصد افراد آن را زیاد می‌دانند.

- با توجه به اهمیت شبکه‌های ارتباطی در دسترسی افراد به اطلاعات گسترده در خصوص کشورهای مختلف، شرایط و نحوه پذیرش نخبگان، ۵۴/۲ درصد افراد جامعه نمونه از طریق اینترنت، ۲۱/۳ درصد از طریق خویشاوندان، ۱۴/۵ درصد از طریق دوستان و ۳ درصد از طریق مؤسسات داخل کشور موفق به گرفتن پذیرش شده‌اند و بیشترین درصد افراد به دلیل کم‌خطر بودن از طریق اینترنت موفق به آگاهی از شرایط جذب و در نهایت اخذ پذیرش شده‌اند.

- شبکه‌های ارتباطی گسترده موجب شده‌است تا شرایط ارتباط با افراد مقیم خارج از کشور بیشتر برای افراد فراهم شود؛ به گونه‌ای که ۵۸/۶ درصد افراد ارتباط زیاد، ۱۶/۲ درصد ارتباط متوسط، ۲۵/۲ درصد افراد نیز ارتباط کمی با افراد مقیم خارج از کشور دارند.

- انسان در هر جامعه‌ای نیازمند فضایی آرام و به دور از هرج و مرج و بی‌نظمی است. افراد جامعه در بستر آرامش و امنیت می‌توانند با حضور آگاه و فعال

رفاهی کم، ۲۱/۱ درصد افراد از امکانات رفاهی متوسط و درصد کمی، یعنی ۱۶/۷ درصد افراد، از امکانات رفاهی زیادی برخوردارند.

- عدم به‌کارگیری تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مختلف جامعه، عدم حمایت از کلیه پژوهشگران، و توزیع ناعادلانه امکانات پژوهشی در بین محققان، موجب آسیب رساندن به جایگاه پژوهش و پژوهشگر در کشور شده‌است. اکثر افراد جامعه نمونه، یعنی ۷۹/۳ درصد، امکانات پژوهشی را ضعیف، ۱۴/۴ درصد متوسط و ۶/۳ درصد افراد آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

- رشد کمی دانشگاه‌ها، توزیع ناعادلانه امکانات علمی (استاد، کتابخانه، سامانه‌های اطلاع‌رسانی و تحقیقاتی) در دانشگاه‌های مناطق مختلف کشور، عدم هماهنگی بین مراکز علمی در جذب و پذیرش دانشجویان، افزایش رشته‌های تحصیلی بدون توجه به نیازهای جامعه، و پذیرش بی‌رویه دانشجویان بدون توجه به نیاز بازار کار موجب شده‌است که ۶۲/۱ درصد افراد جامعه نمونه ساختار علمی کشور را ضعیف، ۱۹/۸ درصد متوسط و ۱۸/۱ درصد آن را قوی ارزیابی کنند.

- مشخص نبودن جایگاه روشن‌فکران در حوزه‌های سیاسی، عدم هماهنگی بین اصحاب اندیشه و صاحبان قدرت، و عدم به‌کارگیری نخبگان سیاسی در مراکز سیاسی موجب بی‌اعتنایی نخبگان به حوزه سیاسی و آسیب رساندن به ارتباط بین دولت و نخبگان شده‌است؛ تا جایی که مشارکت سیاسی ۷۲/۳ درصد افراد جامعه نمونه کم، ۱۸ درصد متوسط و درصد کمی، یعنی ۱۰/۷ درصد زیاد است.

- نظر به اینکه افراد جامعه نمونه متعلق به منطقه‌ای محروم از کشور هستند و با مسائلی نظیر عدم امکانات علمی - تحقیقاتی، عدم جذب در دانشگاه‌های منطقه، عدم پذیرش در نظام‌های مدیریتی محلی،

ارزیابی کردند.

- افراد جامعه نمونه در بیان مشکلات خود به مقوله‌های تورم و گرانی، عدم تأمین معاش و نامناسب بودن وضعیت معیشتی، بی‌توجهی به اشتغال نیروی فعال و متخصص، ازدواج و تحصیل، کمبود امکانات رفاهی، تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه، عدم حمایت از قومیت‌ها و فشارهای قومی، بحران‌های سیاسی حاکم در جامعه، نزاع جناح‌های سیاسی و ایجاد ناامنی برای افراد جامعه، توزیع ناعادلانه امکانات آموزشی بین نخبگان، کمبود امکان فعالیت حرفه‌ای به‌ویژه در رشته‌های تخصصی و پژوهشی، عدم رعایت شایسته‌سالاری در دادن رتبه‌های داخلی و خارجی، اشاعه نوگرایی در جامعه، کمبود امکانات گذران فراغت، عدم ارضای خواسته‌های منطقی، گم‌گشتگی، سرخوردگی و احساس بی‌قدرتی و بی‌ارزشی در بین نخبگان به دلیل مشارکت ندادن آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان، اختلاف شدید طبقاتی در بین نخبگان، توزیع ناعادلانه امکانات در مناطق جغرافیایی کشور، عدم برنامه‌ریزی کافی برای نخبگان، نبود قوانین حمایتی از نخبگان، فقدان انجمن‌های صنفی نخبگان جهت اعمال نفوذ در سطح کلان، احساس تغییرناپذیری شرایط سیاسی، توزیع ناعادلانه امکانات علمی در بین گروه‌های مختلف تحصیلی در کشور، پذیرش بی‌رویه دانشجویان بدون توجه به نیازهای جامعه، توزیع ناعادلانه حمایت‌های مالی از پژوهشگران کشور، توسعه‌نیافتگی و فقر فرهنگی حاکم بر جامعه و نامناسب بودن ساختار علمی کشور اشاره کرده‌اند.

- بر اساس تحلیل داده‌ها، متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فشارهای اجتماعی، ساختار علمی، مشارکت سیاسی، تمایزات قومی، شبکه‌های ارتباطی، امنیت اجتماعی، فاصله

زمینه‌ساز تغییرات بنیادی و اساسی در جامعه خود باشند و با توان بالقوه خود در سازندگی و رفاه جامعه‌ای پویا تلاش کنند. بیشترین درصد افراد، یعنی ۷۰/۲ درصد امنیت را کم، ۱۳/۸ درصد امنیت را متوسط و ۱۶ درصد افراد امنیت را زیاد می‌دانند.

- با توجه به دسترسی کم افراد به امکانات اقتصادی - اجتماعی و توزیع ناعادلانه امکانات در جامعه، افراد جامعه نمونه بر این اعتقادند که این امر منجر به ایجاد فاصله طبقاتی بین افراد و حتی در بین گروه‌های نخبه نیز شده‌است.

۶۱/۲ درصد افراد فاصله طبقاتی را زیاد، ۲۳/۷ درصد فاصله طبقاتی را متوسط و ۱۵/۱ درصد آن را کم می‌دانند.

- جامعه نیازمند مشارکت جمعی افراد است. ارتقای سطح دخالت و مشارکت صاحب‌نظران در فرایند تصمیم‌گیری دولت، هم انجام وظایف و تکالیف دولت را تسهیل خواهد نمود و هم شکاف میان دولت و نخبگان را از بین خواهد برد. هم‌بستگی و هم‌گرایی مشکلات مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجب گردیده‌است تا نخبگان در جامعه مشارکت کمتری داشته باشند؛ به گونه‌ای که ۸۲/۳ درصد افراد جامعه نمونه در جامعه مشارکت اجتماعی کم، ۱۲/۴ درصد افراد مشارکت اجتماعی متوسط و ۵/۳ درصد افراد مشارکت اجتماعی زیادی دارند.

- تأکید و تمایل کشورهای مهاجرپذیر بر پذیرش مهاجران نخبه موجب شده‌است تا با طرح دفاع از حقوق انسان‌ها و تأمین تسهیلات لازم برای متخصصان، شرایط مناسبی را برای نخبگان فراهم سازند؛ تا جایی که بیشترین درصد، یعنی ۷۹/۳ افراد نمونه، ضوابط پذیرش را آسان، ۱۳/۵ درصد ضوابط پذیرش را متوسط و ۷/۲ درصد افراد جامعه نمونه ضوابط پذیرش را سخت

رویکردی تلفیقی؛

- دادن آزادی بیان و اندیشه به نخبگان در چارچوب قانون برای مشارکت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی؛
- اصلاح دستگاه‌ها و مدیریت‌های علمی کشور با توجه به شایسته‌سالاری و سپردن مدیریت‌های علمی

به افراد متخصص و متعهد؛

- ایجاد شرایط مساوی و مناسب بین متخصصان و فراهم کردن امکانات بیشتر برای طالبان تحقیق و پژوهش؛

- ایجاد امنیت شغلی و اجتماعی مطلوب به دور از دغدغه برای فرهیختگان و از بین بردن تبعیض و تعصب در جذب نخبگان؛

- ارتقای سطح زندگی و حل مشکلات فردی نخبگان؛

- سامان‌دهی به وضعیت علمی دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی با توجه به نیازهای جامعه، به‌منظور تولید دانش و فناوری در ایران، در جهت رشد و توسعه علمی کشور.

منابع

ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، «مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های

مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه

دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، چ ۱، ش ۵، انتشارات کلمه،

تهران؛

استیورات هیوز، هم (۱۳۷۶)، هجرت اندیشه اجتماعی، ترجمه عزت‌الله

فولادوند، طرح نو، تهران؛

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، «پروژه اصلاحات بستر فرهنگی - روانی جامعه

و نقش آن در رشد مسائل و مشکلات اجتماعی»، نامه انجمن

جامعه‌شناسی ایران، ش ۳؛

جانمردی، مهوش (۱۳۸۰)، «نخبگان و مهاجرت»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران،

ش ۳۵، س ۴؛

جهانفر، محمد (۱۳۷۶)، مبانی جمعیت‌شناسی، دهخدا، تهران؛

طبقاتی، امکانات رفاهی، ساخت سیاسی، قانونمندی جامعه، امکانات پژوهشی و ضوابط پذیرش مهاجران با مهاجرت نخبگان رابطه معناداری دارد و آزمون‌های آماری نیز با ۹۵ درصد اطمینان وجود رابطه این متغیرها را تأیید کرده‌است.

متغیرهای دیگر یعنی شغل، رشته تحصیلی و مشارکت اجتماعی با مهاجرت نخبگان رابطه معناداری ندارد.

پیشنهادها

بازسازی جدی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان، میانه و خرد نظیر:

- توزیع عادلانه امکانات علمی - پژوهشی بین نخبگان، صرف‌نظر از جنسیت، قومیت، مذهب و وابستگی‌های سیاسی؛

- تدوین سیاست‌های تشویق بازگشت نخبگان مهاجر به ایران و ایجاد شرایط مساعد برای آنان؛

- تدوین قوانین حمایتی از نخبگان و قانونمند کردن ساختار علمی کشور؛

- ضابطه‌مند کردن رتبه‌های تحصیلی و فرصت علمی و مطالعاتی به نخبگان؛

- تغییر و بازنگری در قوانین پذیرش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و استفاده از دارندگان مدرک کارشناسی ارشد به‌عنوان مربی در دانشگاه‌ها، بالاخص در مناطق محروم کشور؛

- ایجاد زمینه‌های علمی و فراهم کردن امکان دسترسی نخبگان به اطلاعات جدید در حوزه‌های علمی؛

- جلوگیری از رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌ها و اهمیت دادن به کیفیت علمی آنها؛

- ایجاد فرصت‌های لازم برای رشد توانایی‌های فردی، مهارت‌های زندگی و فرهنگ‌های بومی با

- حاضر، علی محمد (۱۳۷۳)، «نقش تحصیلات تکمیلی در فرایند توسعه ایران»، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، ج ۱، سمت، تهران؛
- مروتون، رابرت کی (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین تولایی، امیرکبیر، تهران؛
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران؛
- منشی طوسی، محمدتقی و علی مدرس (۱۳۸۰)، «الگوهای سکونت ایرانیان در ایالات متحده آمریکا»، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۱؛
- منصوری، رضا (۱۳۷۱)، آیا و چگونه توسعه علمی ایران امکان‌پذیر است؟، فصل‌نامه سیاست علمی و پژوهشی، ش ۳؛
- مولایی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «عوامل مؤثر در فرایند مهاجرت بین استانی در ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶، ۱۷۵ - ۱۷۶؛
- نراقی، احسان با همکاری عطا آیت (۱۳۷۹)، نظری بر تحقیقات اجتماعی در ایران، سخن، تهران؛
- نراقی، یوسف (۱۳۷۰)، «متخصصان مهاجر و ویتترین جذب»، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی و علمی نگاه نو، ش ۶؛
- وحدانی‌آملی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «پدیده فرار مغزها یا مهاجرت صلاحیت‌ها»، اطلاعات، ش ۲۳۰۶۸؛
- وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)، مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن، سازمان برنامه و بودجه، تهران؛
- ودادحیر، ابوعلی (۱۳۸۰)، «تأملی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۳۰؛
- حاضر، علی محمد (۱۳۷۳)، «نقش تحصیلات تکمیلی در فرایند توسعه ایران»، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، ج ۱، سمت، تهران؛
- حسینی‌نژاد، سیدمرتضی (۱۳۸۲)، «ابعاد فرار مغزها در جهان و ایران» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷، ۱۱ و ۱۲؛
- دهقان، مهدی (۱۳۸۲)، «از فرار مغزها تا پدیده نو و ناشناخته مبادله مغزها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷، ۱۱ و ۱۲؛
- رشیدی، علی (۱۳۸۱)، «نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷، ۱۱ و ۱۲؛
- رونقی، حسینعلی (۱۳۷۵)، «چند پزشک ایرانی در آمریکا به سر می‌برند؟»، روزنامه همشهری، ش ۱۰۰۶؛
- زاهدانی، سعیدزاهد (۱۳۷۳)، «مهاجرت و توزیع جمعیت در ایران»، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، ج ۲، سمت، تهران؛
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۷)، مبانی و مفاهیم جمعیت‌شناسی، چاپ انتشار، تهران؛
- صادقی‌تهرانی، علی (۱۳۸۰)، «ریشه‌یابی علل غیراقتصادی نابسامانی اقتصادی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۶؛
- طایفی، علی (۱۳۷۸)، «فرار مغزها یا شکار مغزها؟»، ایران امروز، بیستم آبان‌ماه؛
- _____ (۱۳۸۱)، «بررسی خروج نخبگان از کشور»، هفته‌نامه خبری - تحلیلی برنامه، ش ۶؛
- عبدی، عباس (۱۳۷۶)، «تحول تجزیه فرهنگ در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات ۲، نشریه دانشگاهی، تهران؛
- فلاحی، کیومرث (۱۳۸۶)، «فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه کوچ نخبگان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۱، ۹ و ۱۰؛
- فولادی، محمد[ای] تا]، بررسی فرار مغزها، آثار و پیامدهای آن، معرفت، ش ۵۳؛
- کمالی‌دهکردی، پروانه (۱۳۷۳)، «بررسی برخی از علل اقتصادی مهاجرت نیروی کار در ایران»، تازه‌های اقتصاد، ش ۴۰؛
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، نوید، شیراز؛
- محسنی، رضا - علی (۱۳۸۱)، «پدیده مهاجرت مغزها، علل و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶، ۷ و ۸؛
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۰)، «فرار مغزها»، مجله گزارش، ش ۱۳۳؛

Blue, Mark (1970), *An Introduction to Economics of Education*, Penguin Book, England;

Dayk, "Iran ranks first in brain drain among LDC", 26 Dec 2001;

Torbat, Akbar (2002), "The brain drain from Iran to the United States", Vol 56, No. 2;

World Bank (1995), *world Development Report 1995*, Washington D. C, U. S. A;

Musgrove, F. (1963), *The Migratory Elite*, Heinemann, London.■

جدول ۱: تغییرات نیروی کار دارای آموزش عالی در ایران در دوره^۸ ۸۰ - ۷۵

(هزار نفر)

سال	تعداد فارغ التحصیلان	جمعیت شاغل	نرخ بیکاری
۱۳۷۵	۱۵۰۱	۱۴۰۳	۴
۱۳۷۶	۱۶۴۰	۱۵۳۸	۳/۶
۱۳۷۷	۱۷۸۵	۱۵۸۰	۹
۱۳۷۸	۱۹۳۷	۱۶۱۷	۱۴/۲
۱۳۷۹	۲۱۰۸	۱۷۰۴	۱۶/۹
۱۳۸۰	۲۳۵۶	۱۷۷۹	۲۰/۸

۸. گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸، مرکز آمار ایران: ص ۱۹۳.

جدول ۲: طبقه‌بندی نظریات مهاجرت و هم‌بستگی‌های توسعه (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۰۰)

ردیف	فرضه	کاربر	نظریه	توضیحات
۱	آزادی تحرک	نسبتاً آزادانه، داوطلبانه	اجبار، محدودیت‌ها، تنگناهای سکوتی و شغلی	تطابق با تحولات اقتصادی - اجتماعی
۲	ماهیت تصمیم‌گیری	عقلانی، موازنه هزینه‌ها و منافع از نواحی کمتر توسعه‌یافته به نواحی بیشتر توسعه‌یافته	تهدید، فشار سیاسی و اقتصادی	علل چندگانه، فشار نسبی
۳	جهت و علت	جاذبه قوی‌تر از دافعه	دافعه قوی‌تر از جاذبه	پخش، سازگاری، انطباق
۴	نتیجه در مقصد	جذب یا حل در نظام ارزشی مسلط	رقابت، جدایی، تبعیض	جمع‌گرایی واقعی، انطباق چند فرهنگ
۵	تحرک یا قشربندی اجتماعی	تحرک اجتماعی و اقتصادی، ماریجی	قشربندی متبلور، از خودبیگانگی	هم‌گرایی اجتماعی، هم‌زیستی مکانی
۶	فرصت‌های متوجه	عدم وابستگی، برابری فرصت بهبود	قطعه قطعه شدن، استثمار، وابستگی	تنوع، وابستگی متقابل
۷	ساخت اقتصادی اشتغال	بیکاری (انحراف موقت)	حاشیه‌ای (خصیصه ساختی)	بیکاری (نشانه تحول اساسی)
۸	جهت‌گیری منابع	استفاده از منابع موجود	استعمار جدید، استعمار داخلی	خودکفایی، حفاظت در مقابل حقوق متقابل
۹	نمونه‌هایی از نظریه‌پردازان	روانشتاین (۱۸۸۵)، پیترسن (۱۹۶۹)، لی (۱۹۶۹)، پریس (۱۶۹۶۹)، منگالام و شورا زورلر (۱۹۶۸)	مارکس (۱۸۵)، نیکولیناکوس (۱۹۷۵)، کستلس و کوساک (۱۹۷۳)، رکن (۱۹۷۳)، والرشتاین (۱۹۷۸)	موبوگنج (۱۹۷۰)، واردول (۱۹۷۷)، رولند (۱۹۷۷)، ریچموند و ورما (۱۹۷۸)